

قرآن و مثنوی

(فرهنگواره تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی)

تدوین

بهاء الدین خرمشاهی

و

سیامک مختاری

خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ ۱۳۲۴ -
 قرآن و مثنوی / بهاء‌الدین خرمشاهی و سیامک مختاری. - تهران:
 نشر قطره، ۱۳۸۲.
 ۷۲۷ ص. - (سلسله انتشارات نشر قطره، ۲۰۸. هنر و ادبیات ایران)
 (۱۰۳)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 نمایه.

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی - قرآن.
۲. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. - معلومات -
 قرآن. الف. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی.
 ب. عنوان.

۴ ق / ۲ خ / ۱ PIR ۵۳۰۱ / ۳۱ / ۸۵۱ / ۳۱
 خ. ش. / م ۸۴۹ م

۱۳۸۲

۸۲-۲۹۷۱۵ م

کتابخانه ملی ایران

شابک: ۹-۲۸۶-۲۳۱-۹۶۳-۹۷۸-978-964-341-286-9 ISBN:



نشر قطره

قرآن و مثنوی

بهاءالدین خرمشاهی و سیامک مختاری

چاپ اول: ۱۳۸۳

چاپ دوم: ۱۳۸۴

چاپ سوم: ۱۳۸۶

چاپ چهارم: ۱۳۸۷

چاپ پنجم: ۱۳۸۸

چاپ: سارنگ

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

بها: ۱۲۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نشر قطره محفوظ است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳ - دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۸۸۹۵۶۵۳۷ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۸۸۹۷۳۳۵۱-۳

صندوق پستی ۳۸۳-۱۳۱۴۵

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

۱۹	دفتر اول
۱۴۳	دفتر دوم
۲۲۳	دفتر سوم
۳۳۵	دفتر چهارم
۴۲۷	دفتر پنجم
۵۲۹	دفتر ششم
۶۳۵	فهرست آیات
۷۰۱	فهرست ابیات

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

بیت معروفی هست احتمالاً سروده شیخ بهایی که می‌گوید:

مثنوی معنوی مولوی هست قرآن در زبان پهلوی
که کتاب حاضر، سراسر شاهد صدق این مدعاست، که مثنوی کتابی
الهامی است و «تردبان آسمان است این کلام». خود مولانا در جاهای
دیگر می‌گوید:

مثنوی ما دکان وحدتست غیر واحد هر چه بینی آن بت است
مثنوی که صیقل ارواح بود بن بازگشتش روز استفتاح بود

□

ربط و پیوند قرآن و مثنوی

پیوندهای پیدا و پنهان مثنوی با قرآن بر سه وجه است:

(۱). اثرپذیری صورت و ساختار مثنوی از قرآن، که هم صاحب‌نظران
قرآن‌پژوه و مثنوی‌پژوه، از جمله شادروان استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، به آن
تصریح دارند، و هم این مسأله خود چندان صریح و آشکار است که هر
کسی با این دو کتاب، اولی اعجازین و وحیانی و آسمانی و قدسی، و
دومی الهامی و زمینی و قدسی مآب و معجزه‌آسا، انس و در آنها تأمل
داشته باشد، به آسانی درمی‌یابد. مراد از این وجه از ربط و پیوند
ساختاری، همان غیرخطی، و حجمی شکل بودن هر دو اثر است، و معنا
در معنا آوردن:

به این شرح که در قرآن کریم، قطع نظر از سوره‌های مکی کوتاه، فقط
سوره یوسف است که تقریباً از آغاز تا انجام فقط از یک مضمون، یعنی
داستان حضرت یوسف (ع) سخن می‌گوید. ولی سبایز سوره‌ها
مختلف المضمون و چندین مضمونی است. در مورد سوره مریم یا سوره

ابراهیم (ع) یا سوره یونس (ع) و سوره های دیگر که با نام انبیاء است، می توان گفت فقط اندکی یا بخشی از داستان مربوط به آنها، در این سوره ها آمده است، و بخش های دیگر در سوره های دیگر - و در هر نوبت از یک دو آیه تا هشت - ده آیه، یا کمتر و بیشتر آمده است. به این نحو که اگر کسی بخواهد داستان حضرت مریم (س) را در قرآن بازباید کند، باید به ۱۲ سوره، با استفاده از فهرست های کلمات یا موضوعات قرآن، مراجعه کند (از جمله بقره، آل عمران، نساء، مائده، توبه، مریم و...) و گفتنی است که در سوره مریم (س) - که ۹۸ آیه دارد - فقط ۳ آیه مربوط به او آمده است. حال آن که در سوره آل عمران، ۷ آیه، و در سوره مائده، ۱۰ آیه راجع به او است. یا داستان حضرت ابراهیم (ع) در ۲۴ سوره بخش شده است. و از ۵۲ آیه سوره ابراهیم، فقط ۷ آیه مربوط به ابراهیم (ع) است. یا در سوره یونس، از ۱۰۹ آیه ای که دارد فقط یک آیه مربوط به (قوم) یونس است. حال آن که ۲۰ آیه اش مربوط به داستان موسی (ع) و بنی اسرائیل و فرعون است. یا حضرت موسی (ع)، با آن که داستانش از پربسامدترین آیات مکنز و مشابه تشکیل یافته، نه فقط سوره ای در قرآن به نام او نیست، بلکه داستان بسیار جذاب و بلندش (که به تخمین تقریبی راقم این سطور بر بنر هم مفصل ترین قصه در میان قصص انبیای قرآن است و نامش ۱۳۶ بار آمده است) در ۳۴ سوره قرآنی بخش شده، یعنی بخش - بخش آمده است. آری یافت و اسلوب قرآن، چند و چندین موضوعی است و موضوعات به احسن وجه و جذاب ترین شکل بر حسب اقتضای هر مورد می آیند. موضوعاتی از توحید و اسماء الله که غالباً به صورت زوج می آیند و پایان بندی بسیاری از آیات اند و نبوت و انبیاء که قصص آنها کمایش نیمی از قرآن را در بر می گیرد و همه سرشار از عبرت و حکمت است و معاد و عوالم و حیات اخروی گرفته تا وصف پدیده های طبیعی چون آب، خاک، باد، باران، شب، روز، ماه، خورشید، ستارگان، دریاها و گورها و کشتیها و ماهیها، و وصف های گوناگون شوق انگیز بهشت و بهشتیان و حیات جاودانه آنان با ترجیع بند بس هنرمندانه «جنات تجری من تحتها الانهار» (بازها) و ترجیع بند امیدبخش در حق اولیاء الله و رستگاران: «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»

(بارها)؛ و توصیف‌های بیم‌انگیز جهنم و انواع عذاب‌های آن، همچنین احکام اخلاقی (توصیه به اخلاق حمیده و نهی از اخلاق رذیله) با روانشناسی شگرفی از احوال و روحیات نیک و بد انسانها، و احکام گوناگون فقهی همه و همه با دهها موضوع دیگر (فهرست موضوعی قرآن مجید، تدوین کامران فانی و بهاء‌الدین خیرمشاهی، بیش از ۵ هزار سر عنوان موضوعی مطرح در قرآن را به شیوه الفبایی دربردارد). آری سبک غیرخطی و حجمی و حلقوی قرآن از این قرار است. یعنی به بیان ساده‌تر در ۹۰ درصد سوره‌های قرآن آیات مربوط به هر موضوعی به صورت خوشه‌ای متشکل از حدوداً ۳ تا ۵ تا ۷ آیه - بسته به طول سوره یا مکی و مدنی بودنش - می‌آیند و با مهارتی که اساس اعجاز زبانی - ادبی قرآن را تشکیل می‌دهد، پرده‌گردانی می‌شود و به دلپذیرترین و بی‌سابقه‌ترین وجه، از موضوعی به موضوع دیگر می‌رود و سبک آن چندنویسی است. نگارنده این‌ستطور در مقاله «قرآن و اسلوب هنری حافظ» در کتاب ذهن و زبان حافظ به تفصیل، با استناد به قدیم‌ترین منابع اسلامی و جدیدترین منابع اسلام‌پژوهانه امروزی، سبک و سیاق نشر قرآنی را توضیح داده، و از آنجا که غزل حافظ (حافظی که به قول آرتور آربری، مترجم قرآن و بخشی از غزل‌های حافظ، در ساختار غزل تحول انقلابی ایجاد کرده و نگارنده این‌ستطور شرحش را در مقاله «انقلاب حافظ در غزل» آورده است) برخلاف غزل‌های همه پیشینیان او تا سعدی استقلال ابیات دارد، و نیز از آنجا که خواجه شمس‌الدین حافظ، «حافظ» (از بردارنده قرآن مجید و قرآن‌شناس و قرائت‌شناس برجسته‌ای بوده، لذا قهراً این نظر یا نظریه پیش می‌آید که سبکش نه متأثر از غزل پانصد ساله پیش از خودش، بلکه از بافت و ساخت قرآن‌کریم است.

چنان‌که گفته شد و چنان‌که امری مشهود و روشن است، سبک و ساختار ثودرثو و خوشه - خوشه، و گسسته‌نمای ظاهری (و پیوسته باطنی) مثنوی هم متأثر از شیوه و شکل و زبان و بیان و سبک و سیاق قرآن است.

مولانا بارها به شباهت صوری و معنوی کتابش (مثنوی) با قرآن اشاره

همچو قرآن که به معنی هفت توست . خاص را و عام را مطعم در اوست
 (۲) وجه دیگر، انظار و آراء و برداشتهای مولانا درباره قرآن است.
 چنانکه فی المثل الف) قرآن را دارای ظهر و بطن (ظاهر و باطن و هفت
 بطن = که مقتبس از حدیث نبوی است) می داند.

ب) یا قرآن کریم را به عین الفاظ وحی و تماماً وحیانی می داند:
 - گرچه قرآن از لب پیغمبرست . هر که گوید حق نگفت او کافرست
 - اینهمه آواها از شه نبود . گرچه از حلقوم عبدالله بود
 (که مرادش از آواز، وحی قرآنی، و از شه حضرت حق، و از عبدالله،
 محمد بن عبدالله (ص) پیامبر اسلام است).

پ) یا قایل به مصونیت یا دست نخوردگی و تحریف ناپذیرفتن قرآن
 است:

مصطفی را وعده کرد الطاف حق . گر بمیری تو، نمیرد این سبق
 من کتاب و معجزه را رافعم . بیش و کم کن را ز قرآن مانعم
 ت) یا اصل را عدم تفسیر و از آن مهمتر عدم تأویل قرآن می داند. مگر
 در آیات واجب التأویل، یا دوجنبه و دوجوه و به تفسیر قرآن به قرآن، و
 قاعدة القرآن يُفسر بعضه بعضاً معتقد است. ولی خود - چون واقعاً از
 راسخان در علم است - عندالاحتضا، و با احتیاط از ظهر به بطن آیات راه
 می برد، اما دیگران، یعنی غیر صاحبان، یا اهل اهواء را به شدت از
 تأویل نهی می کند:

- معنی قرآن ز قرآن پرس و بس . وز کسی گاتش زده است اندر هوس
 پیش قرآن گشت قربانی و پست . تا که عین روح قرآن او شده است
 روغنی کو شد فدای گل به گل . خواه روغن بوی کن خواهی تو گل

- کسره ای تأویل حرف بکر را . خویش را تأویل کن، نه ذکر را
 بر هوی تأویل قرآن می کنی . پست و کژ شد از تو معنی سنی



در اینجا چون مجال بسط مقال نیست، به همین نمونه ها از نگرش
 قرآن شناسانه مولوی در مثنوی اکتفا می کنیم؛ و به وجه سوم که مراد اصلی

از تدوین این کتاب است می‌پردازیم.

۳) وجه سوم از ربط و پیوند قرآن و متنوی، نفوذ الفاظ و معانی آیات و عبارات قرآنی در ابیات متنوی است که به نظر ما محصور و منحصر به ۵ شکل است که هر یک را با دست‌کم یک مثال یاد می‌کنیم. آن ۵ شکل عبارتند از الف) تضمین، ب) برگرفتن، پ) اقتباس، ت) الهام گرفتن، ث) اشاره داشتن. دو شکل یا شق اول و دوم لزوماً لفظی (البته با نظر به تناسب معنی) است و سه شق دیگر هم لفظی است، هم معنوی، و یا لفظی - معنوی، البته با ارتباط کمتر یا کم‌رنگ‌تر. که توضیح هر یک با مثال می‌آید.

الف) تضمین، عبارت است از آوردن آیه‌ای یا عبارتی قرآنی عیناً و بدون تصرف و افزود و کاست اگرچه گاهی به اقتضای وزن شعر ممکن است، تلفظ آن کمابیش فرق کند:

- خصم هر شیر آمد و هر روبه او **كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ**
(دفتر) ۶/ (بیت) ۲۲۳۸

- چون نکرد آن کار مزدش هست لا **لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى**
۲۵۴۴/۴

ب) برگرفته عبارت از برگرفتن عبارت یا آیه قرآنی است، با تصرف یا افزود و کاست:

بهر این آوردمان یزدان برون **مَا خَلَقْتُ... الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**
۲۵۰۱/۶

که مصراع دوم برگرفته از آیه «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (الذاریات، ۶۲) است.

پ) اقتباس گاه لفظی است که شبیه به برگرفته می‌شود: ... یاد کن فی جدها جلّ **مَسَدَ ۷۶۴/۵** یا: تو عذاب الخزی بشنو از **تَبٰی ۱۳۹۱/۵**. گاه معنایی است: گرزلیخا بست درها هر طرف ... **۱۱۰۵/۵** که معنایش اقتباس از «و غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ...»، (یوسف، ۲۳) است.

ت و ث) الهام از یک آیه/ عبارت قرآنی و اشاره به آن فی الواقع فرق چندانی ندارد، و اگر این دو را یکی کرده بودیم، فرقی نمی‌کرد. و البته از اقتباس کمتر است، و گاه به لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. عملاً لفظی‌ها

را (که ۹۹ درصد آنها تک کلمه‌ای است) اشاره و معنایی‌ها را الهام به حساب آورده‌ایم:

- تا بخارای دگر بیشی درون صفدزان در مجلسش لایفقهون

۱۲۹۳/۵

- آدم خاکی ز حق آموخت علم تا به منت آسمان افروخت علم

۱۰۲۱/۱

حاصل آنکه اشاره و الهام، با هم فرق چندانی ندارند، و زیر-مجموعه اقتباس‌اند، البته اقتباس‌های جزئی، یا تلمیحی و تقریبی و کمرنگ‌ترند.

□

شیوه کار

۱) پیش از این کوشش‌های قابل توجه، اما ناتمامی برای نمایاندن تأثیر آیات و عبارات قرآنی در مثنوی انجام گرفته است. یک مثال از آثار نسبتاً قدیمتر «جواهرالقرآن» یکی از بخش‌های کتاب ارجمند مرآت‌المثنوی (تدوین تلمذ حسین، مثنوی‌شناس مسلمان فارسی زبان هندی، تصحیح مجدد به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، نشر گفتار، ۱۳۷۸، صفحات ۶۰۵-۶۶۳ شامل حدوداً ۵۳۰ مورد. و دو کوشش از معاصران عبارت است از جلد هفتم شرح جامع استاد کریم زمانی، فهرست آیات، یعنی آیاتی که بحث ربط و پیوند آنها با آیات در متن شرح آمده است. دیگر رساله مفرده‌ای از آقای محمود درگاهی، با عنوان آیات مثنوی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، شامل ۱۲۲۰ مورد. همه این تلاش‌های علمی محترم و مغتنم، و سعی مؤلفان آن مشکور است.

اما چرا کتاب حاضر به این درجه از حجم و جامعیت رسیده است؟ پاسخش در این است که تاکنون کسانی که به تدوین این‌گونه فهرست‌ها همت ورزیده‌اند، فقط انس با آیات قرآن و آیات مثنوی داشته‌اند. و تا این زمان و این اثر، هیچگاه محقق‌هایی که حافظ کل قرآن بوده باشد، به تنظیم چنین فرهنگ فهرست‌وار یا فهرست فرهنگواره‌ای نپرداخته است. لذا عمده امتیاز کتاب مرجع حاضر (قرآن و مثنوی) در این است که تحقیق و تطبیق اصلی و اولیه و کارساز آن را یکی از حافظان برجسته قرآن، دوست و همکار فرزانه فاضلم جناب آقای مهندس سیامک مختاری عهده‌دار

بوده‌اند، لذا به عنایت صاحب قرآن، از آنجا که تمامی آیات و عبارات و حتی تعبیرات دو کلمه‌ای و کلمات کلیدی قرآن را در حافظه توانمند خود داشته‌اند و شالیان سال نیز با مثنوی محشور بوده‌اند، توانسته‌اند این همه آیه و عبارت و معنا و مضمون و اشاره و الهام قرآنی را در ابیات مثنوی، بازیابی کنند.

نقش نگارنده این سطور در تدوین این کتاب، تکمیلی و بازنگرانه بوده است. به این معنی که در درجه اول صحت ربط و پیوندی را که آقای مختاری بین آیات و ابیات برقرار کرده بودند، واری می‌کردم، و چون انس مدیدی با آیات بینات قرآنی دارم، به سهم خود، به مدد این انس آیات دیگری که در همان زمینه بود، بدون آوردن نصوص آیات، با استفاده از فهرستهای قرآنی بازیابی کرده، در ذیل آیه / آیات و ترجمه آن(ها) می‌افزودم.

۲) ساختار این کتاب مرجع، چنین است که ابتدا ابیات مثنوی که ربط و پیوندی یعنی اثرپذیری از آیات و عبارات قرآنی دارند، با حروف سیاه، درج شده و در ذیل آن شماره دفتر و شماره بیت آمده است. فی‌المثل ۵۰۵/۵ یعنی بیت شماره ۵۰۵ در دفتر پنجم، از شش دفتر مثنوی.

۳) ترجمه‌های آیات و عبارات قرآنی از ترجمه نگارنده این سطور، برگرفته شده است.

۴) متن مثنوی اساس کار ما دو متن بزرده است. نخست مثنوی به تصحیح دوست دانشمند مثنوی‌شناس بزرگوارم جناب آقای دکتر عبدالکریم شروش (شرکت انتشارات علمی و فرهنگی). دوم متن مصحح به همت برادر هنرمندم جناب آقای قوام‌الدین خرماشاهی.

۵) در مواردی نه چندان زیاد، که ضبط یا حرکت (اعراب) هر یک از متون مبنا را نادرست یافته‌ایم، به کمک متون دیگر و منابع و مراجع موثق، اصلاح کرده‌ایم.

۶) نص مقدس آیات بینات قرآن را با حروف سیاه آورده و اعراب‌گذاری نحوی و خداقلی کرده‌ایم به نحوی که بتوان بدون نیاز به مراجعه به قرآن کریم، آیات یا عبارات قرآن را درست خواند.

۷) در اغلب موارد یک (گاه تا سه و چهار) آیه یا عبارت قرآنی که بر

یک یا چند بیت پیوسته به هم، اثرگذار بوده، به عین نص و ترجمه فارسی ذکر می‌شود و برای آیات دیگر با علامت نیز — (نیز نگاه کنید به) به چند یا چندین مورد فقط با آوردن نام سوره و شماره آیه ارجاع داده شده است.

۸) توضیحات شرح‌گونه را علی‌الاصول نیاورده‌ایم. مگر به ندرت و در جایی که کمال ضرورت را داشته است که به خواننده / مراجعه‌کننده در موارد دیرباب، که ربط و رابطه آشکار نیست، یاری داده شود.

۹) همچنین کلمات مهجور و دشوار را با گذاشتن یک ستاره بر روی آن، در پایان مطلب مربوط به هر بیت، در داخل علامت قلاب [] به نقل از شرح جامع مثنوی اثر استاد کریم زمانی، یا مثنوی مصحح استاد دکتر توفیق سبحانی به ایجاز هر چه تمامتر، توضیح داده‌ایم.

۱۰) در پایان کتاب فهرستهای دوگانه آمده است. نخست فهرست آیات که با ذکر یک مثال بهتر روشن می‌شود:

آل عمران، ۱۴۰؛ ۲۱۳/۱، ۱۱ که به ترتیب از راست به چپ عبارتند از: نام سوره، شماره آیه، شماره دفتر مثنوی و شماره بیت و در انتها شماره صفحه با حروف سیاه مشخص شده است.

دوم فهرست ابیات که ابتدا دو سه کلمه اول بیت با نظم الفبایی سراسری و سپس شماره صفحه همین کتاب آمده است.

□

امیدوارم چنین اثر مرجع - و ان شاء الله ماندگاری - در حوزه مثنوی پژوهی و قرآن پژوهی، و پژوهشهای عرفانی، با این گستردگی که دارد، برآورنده نیاز اهل نظر باشد. چه این کار با این فراگیری، یک بار برای همیشه، لازم بود که انجام گیرد.

بادیدن ژرفا و گستره و فراوانی نفوذ آیات و عبارات قرآنی در ذهن و زبان مولانا و در تار و پود ابیات مثنوی، چه در رو ساخت و چه در ژرف ساخت آن، به این نتیجه (در میان چندین فایده و استفاده دیگر) رسیدیم که اگر مثنوی را از تفسیرهای عرفانی قرآن کریم به شمار آوریم، مبالغه نکرده‌ایم. البته با این توضیح که این تفسیر با آنکه بسیار فراگیرست، تفسیر به معنای فنی و حرفه‌ای نیست، اما شارح بسیاری از حقایق و دقایق قرآن هست. و در تاریخ هزار و دویست ساله ادب فارسی،

هیچ اثر عرفانی دیگری، با این درجه از پیوندهای پیدا و پنهان با کلام الله مجید، وجود ندارد.

□

یاد و سپاس

اخلاقاً بر ما فرض است که از خدمات و زحمات کسانی که در راه به ثمر رساندن و تولید این اثر مرجع، هر یک به نوعی، صادقانه و همدلانه یاری کرده‌اند، سپاسگزاری کنیم. نخست از تشویق و گشاده‌رویی و نظارت عالیۀ مدیر دانشور نشر قطره، جناب آقای مهندس بهرام فیاضی و دقت نظر «سختگیرانه» و همدلانه و راهنماییهای کارساز مدیر تولید همان انتشارات، جناب آقای صفر صادق‌نژاد، و دیگر همکاران کاردان نشر قطره، سه خواهر گرامی، خانمها ژیللا، بنفشه و ژاله پی‌سخن، تشکر صمیمانه خود را عرضه می‌داریم.

حروفنگاری و صفحه‌بندی و یک دور نمونه‌خوانی و تدوین فهرستهای این کتاب، اثری از حسن سلیقه و همت و مهارت همکار پیشینم در دایرةالمعارف تشیع، سرکار خانم فرشته حاتمیان حقیقی است. از ایشان، و از کوشایی همکاران لیتوگرافی و چاپ و صحافی که نامشان در صفحه شناسنامه کتاب آمده است، خالصانه سپاسگزارم، و برای همه این همکاران توفیقات الهی و سعادت دو جهانی مسألت دارم. و سپاس در آغاز و انجام خداوند راست.

بهاءالدین خرمشاهی

تهران، آذرماه ۱۳۸۲.